



۲۰۱۵/۰۴/۲۷

انجنیر نجیب الله داوری

## در سوک سی و هفتمین سال سقوط اولین جمهوریت،

### شهادت محمد داوود خان و کودتای هفت ثور

#### بخش اول

سی و هفت سال از تحول یا کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ شمسی گذشت. تحولی که به جز بدبختی و سیه روزی هیچ دست آوردی برای ملت افغان نداشته و هنوز با گذشت سی و هفت سال امواج سهمگین و مخرب آن تحول بدشگون همواره از مردم و میهن ما قربانی گرفته و موجودیت، یکپارچگی، تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور عزیز ما را زیر سؤال برده است.

در ارتباط به وقوع کودتای ثور تا کنون نظریات مختلفی ارائه و عوامل متعددی که باعث اجرای کودتای ثور شد به بررسی گرفته شده است. ولی آنچه مسلم است، اینست که کودتای مذکور نتیجه کدام شرایط عینی و ذهنی خاص کشور ما نبود، بلکه آنچه صورت گرفت نتیجه تصامیم مقامات بلند حزب کمونیست اتحاد شوروی در ماسکو و اجرای آن توسط کمونیستان محلی بخصوص در اردوی افغانستان با همکاری مستقیم و غیر مستقیم سرویس های مخفی دستگاه های جاسوسی شوروی وقت چون "کا. جی. بی." و "جی. آر. یو." بود، که باعث سقوط رژیم محمد داوود خان و تأسیس جمهوری نام نهاد دیموکراتیک گردید. جمهوری ای که در بسیار جهات با مردم فاصله داشت و از طرفی هم آزار و اذیت وسیع مردم توسط تعداد مشخصی از انقلابیون بی خرد بود که میتوان آنرا نوعی دست اندازی به گریبان مردم بیگناه شمرد و این شرایطی را به میان آورد که اگر از یکطرف باعث زیان ها و خسارات وصف ناپذیر و غیر قابل جبران در کشور ما شد، از طرف دیگر اربابان کرملین را آشکارا متوجه خطای فاحش شان در امر سقوط رژیم محمد داوود خان ساخت، زیرا بعد ها پلان تعویض رهبری دولت افغانستان به جای رهبران حزب دیموکراتیک با شخصیت هایی چون نور محمد اعتمادی و محمد حسن شرق و حتی ملاقات با برهان الدین ربانی در ماسکو جهت به دست گیری قدرت به جای دکتور نجیب خود می رساند که رهبری شوروی وقت پی به اشتباه عظیم شان در امر راه اندازی و صدور کودتای ثور برده بودند.

ولی چه فائده؟ با سقوط رژیم محمد داوود خان افغانستان نه تنها شانس های متعدد پیشرفت و ترقی را که خاصه رژیم مذکور بود از دست داد بلکه با باز شدن دست دخالت بقیه قدرت های جهانی و همسایه های مغرض در امور داخلی ما شرایطی در کشور ما رقم خورد که زمینه های نابودی دست آورد های اجتماعی - اقتصادی چندین دهه مردم ما با خاک یکسان شد و حتی داشته تاریخی چندین قرنه و چند هزار ساله ما به باد فنا رود. از طرفی هم اشغال نظامی افغانستان و مصارف کمرشکن شوروی در این کشور با اقتصاد ناتوان و مریضش خود یکی از عوامل عمده سقوط اتحاد شوروی و دژ به اصطلاح شکست ناپذیر پیمان نظامی وارسا گردید.

گرچه عده ای از نویسندگان و تاریخ نگاران با گرفتن انگشت انتقاد به طرف محمد داوود خان با بدست گرفتن قدرت سیاسی ذریعه کودتای نظامی، راه گرفتن قدرت سیاسی از طریق کودتا را به دیگران آموخت، یعنی به عقیده این تعداد که قبل از کودتای محمد داوود خان دیگر هیچ کودتایی در جهان صورت نگرفته بود، و این محمد داوود خان بود که این راه را برای دیگران نشان داد؟ عجب!!

تعدادی هم هستند که محمد داوود خان را متهم به پایان دوره به اصطلاح درخشان دهه دیموکراسی رژیم محمد ظاهرشاه و همچنان باز کردن دست اندازی روس ها در امور داخلی افغانستان در دهه های قبل می کنند، که در این مورد تعدادی از نویسندگان تاریخ نگاران کشور کتاب ها و مطالب زیادی را نوشته اند. ولی باز هم ضرورت است تا بر موضوع فوق کاملاً منصفانه تحقیق کرد و نوشت. ولی در اینجا طور خلاصه یاددهانی می گردد که درست است در دهه اخیر سلطنت محمد ظاهرشاه که معروف به دهه دیموکراسی و یا دوره طلایی دیموکراسی می باشد

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مطابق به قانون یک سلسله آزادی ها از قبیل تشکیل احزاب، اجازه داشتن نشرات چاپی و به راه انداختن اجتماعات، تظاهرات و غیره و غیره به مردم داده شده بود، ولی ناگفته پیداست که با استفاده از این شرایط و بستر نرم تنها احزاب بیگانه پرست ظهور نمودند که بعد ها باعث مشکلات و پرابلیم های عمده برای مردم و سرنوشت کشور شدند. هیچ حزبی به معنی واقعی ملی و با قدرت از این شرایط نتوانست سر بلند کند تا در آینده جلو تند روی های احزاب تند رو، چپی و راستی را بگیرد.

احزاب فرمایشی و صادر شده از خارج در دوره به اصطلاح دیموکراسی توانستند پیوسته دروس متعلمین مکاتب و محصلین پوهنتون ها را اخلاص، آنها را به روی جاده ها سوق داده زنده باد و مرده باد بگویند. ولی در همین وقت وضع عمومی مملکت و مردم در حالت بسیار بدی قرار داشت، به خاطر بیایم که در همین ایام به اصطلاح دیموکراسی طلایی بین سال های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ نزدیک به یکصد هزار تن از هموطنان عزیز ما در ولایات مرکزی کشور نسبت گرسنگی جان های شیرین شان را از دست دادند و تعداد زیادی از مردم ساحات مذکور اولاد های دلبنده شان را در مقابل یک یا دو سیر غله به فروش رساندند. توجه داشته باشیم که هیچ کس نمی تواند با شکم گرسنه حتی به عبادت بپردازد، چه رسد به تمرین دیموکراسی. ولی کودتای محمد داوود خان به هر شکلی که صورت گرفت به این حالت پایان داد و کشتی شکسته و در حال غرق اقتصاد افغانستان را به ساحل نجات کشانید.

عشق دیوانه وار و بی پایان شخص مرحوم محمد داوود خان در امر ترقی و تعالی افغانستان و واری شباروری موصوف از پروژه های عمرانی و اقتصادی، زمینه های آن فراهم شد تا در مدت کوتاه نسبتاً پنج ساله حکومت محمد داوود خان، افغانستان قدم های مؤثری را در امر رشد اقتصادی بردارد، تولیدات زراعتی و صنعتی کشور به طور قابل ملاحظه بالا برود؛ نرخ مواد غذایی در بازار های کشور پائین آید و ارزش پول افغانی در مقابل اسعار خارجی (از فی دالر ۶۰ افغانی) در سال ۱۳۵۲ به (۳۳ افغانی در سال ۱۳۵۶) بالا رود؛ که این تغییراتن به خودی خود تأثیرات مثبت و امیدوار کننده ای بر زندگی مردم عامه داشت؛ گویا و واقعیت های انکار ناپذیر کار و فعالیت رژیم جمهوری محمد داوود خان در راستای خدمت به مردم می باشد.

اما به ارتباط اختلافات میان رهبران حزب دیموکراتیک خلق و محمد داوود خان، باید نوشت که جناح خلق حزب مذکور از همان اوایل نسبت به محمد داوود خان و رژیم وی به سبب نزدیکی محمد داوود خان با جناح پرچم کینه و حسادت می ورزید، و از طرفی هم بسیاری از رهبران حزب دیموکراتیک خلق از چشم شوروی ها و حزب کمونیست شوروی نسبت به محمد داوود خان، رژیم وی و غیره مسائل ملی و بین المللی نگاه می کردند. شوروی ها هم آرزو داشتند که دولت و حکومت محمد داوود خان بر مسائل بین المللی سیاست روس ها را تعقیب و در مجامع بین المللی مثل کشور های سوسیالیستی، اقمار شوروی برای حرف شوروی ها کف بزنند، تأیید آنها را تأیید و نهی آنها را نهی کنند. بالای مسائل ملی هم کماکان به دستور شوروی ها عمل نمایند. چیزی که روح و روان محمد داوود خان ملی گرا با آن مخالف بود و به گواهی تاریخ در هشتاد سال قبل از امروز اعلیحضرت امان الله خان هم در مخالفت با عین درخواست انکلیس ها پادشاهی اش را از دست داد.

بنام نخستین نشانه های سردی روابط میان اتحاد شوروی و دولت محمد داوود خان در بهار سال ۱۳۵۴ هجری شمسی (۱۹۷۵ میلادی) یعنی وقتی که محمد داوود خان بنا به دعوت مرحوم محمد رضا شاه پادشاه وقت ایران راهی تهران شد، رونما گردید زیرا ایران در آن وقت یکی از متحدین نزدیک امریکا در منطقه بوده و روابط چندان خوبی با اتحاد شوروی نداشت. این شروع مرحله ای بود که جناح پرچم نیز به تخریب و سبوتاز رژیم محمد داوود خان دست یازید. این امر باعث گردید که محمد داوود خان تعدادی از اعضای از پرچمی ها را که در سطوح وزارت و ریاست دولت کار می کردند، برکنار سازد.

روابط میان اتحاد شوروی و افغانستان روز به روز به سردی بیشتر می گرایید و به همان پیمان سبوتاز دولت و حکومت محمد داوود خان از طرف اعضای وابسته به جناح های مختلف حزب دیموکراتیک خلق تشدید کسب می کرد و ایشان تلاش می کردند که بد بینی مردم را نسبت به محمد داوود خان و رژیم وی هرچه بیشتر و بیشتر سازند و شرائطی را به وجود بیاورند که در روز مبادا حتی مردم و صاحب منصبان بی طرف اردو به طرفداری محمد داوود خان اقدامی نکنند. و چنین هم شد. از سوس دیگر کمک های اقتصادی و تخنیکی اتحاد شوروی به افغانستان آنطوریکه تبلیغ می گردید بی چون و چرا و بی شائبه هم نبود و شوروی ها بر علاوه اینکه از کمک های نسبی شان به افغانستان کسب منافع سیاسی و تبلیغاتی می نمودند مثل کشور های غربی در پی منافع مالی و سود های کلان هم بودند؛ به گونه مثال برای ساخت کانال آبیاری ننگرهار و فارم های هده و غازی آباد حاصلات میوه فارم های مذکور به صورت کل برای مدت سی سال به شوروی ها تعلق می گرفت در حالیکه تمام مصارف تخنیکی و معاش کارگران

آن از بودجه دولت افغانستان پرداخت می شد. البته که داستان سی سال بعد و دست یابی مجاهدان راه منافع پاکستان به فارم های مذکور و تخریب و نابودی قسمی آنها برای همه معلوم است. همین طور با استخراج گاز طبیعی در سمت شمال کشور، با وجود آنکه شهرها و دهات افغانستان جهت تنویر و تسخین به گاز طبیعی مذکور اشد ضرورت داشتند و با وجود منابع و معدنیات عظیم گاز طبیعی در داخل شوروی وقت، روس ها گاز تولیدی افغانستان را به داخل کشور شان تمديد، آلات اندازه گیری مقدار صدور گاز را در آنطرف سرحد خلاف تمام نورم های قبول شده بین المللی نصب و قیمت آنرا هم فی مترمکعب خیلی ارزانتر از قیمت بین المللی به طرف افغانی می پرداختند. با وجود اینها، هنگامیکه دولت محمد داوود خان جهت رشد اقتصادی - اجتماعی افغانستان درخواست کمک های بیشتری را از شوروی ها نمود، شوروی جهت ادامه کمک های شان خواستار موجودیت مشاورین ارشد روسی در تمامی وزارت خانه های افغانستان شدند. چیزی که باز هم طرف قبول محمد داوود خان قرار نگرفت.

در نتیجه دولت محمد داوود خان جهت دستیابی به کمک های مالی و تخنیکي به کشور های غربی و عربی روی آورده تعدادی از متخصصان تخنیکي و غیر نظامی کشور های غربی در تعدادی از ولایت های افغانستان از جمله در ولایات سمت شمال کشور و نزدیک به سرحدات شوروی جهت پیشبرد پروژه های ساختمانی حضور یافتند، که این امر موجب عصبانیت بیشتر شوروی ها گردید. نتیجه این همه اختلافات سبب گردید که بنا به دعوت دولت شوروی محمد داوود خان جهت مفاهمه، مذاکره و حل اختلافات در ماه اپریل سال ۱۹۷۷ میلادی به ماسکو سفر نماید.

ولی از بررسی سفر محمد داوود خان به اتحاد شوروی به این موضوع بپردازیم که آیا سرحدات شوروی وقت به صورت کل آنقدر محفوظ بود که موجودیت چند مشاور ملکی غربی در سمت شمال افغانستان، موجب حساسیت و عصبانیت شوروی ها شود. درست در همان وقتی که در میز مذاکره میان رهبران افغانستان و اتحاد شوروی شخص "لیونید برژنف" موجودیت متخصصان غربی را در شمال افغانستان بهانه می گرفت همسایه های کشور شوروی وقت این ممالک بودند:

- جمهوری دیموکراتیک کوریای شمالی،
- جمهوری خلق چین،
- جمهوری مغلستان،
- کشور پادشاهی ایران،
- جمهوری ترکیه،
- جمهوری سوسیالیستی رومانیه،
- جمهوری سوسیالیستی مجارستان،
- جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکیا،
- جمهوری سوسیالیستی پولیند،
- جمهوری فنلند،
- کشور پادشاهی ناروی،
- جمهوری افغانستان،

در میان کشور های ذکر شده ممالکی چون: کوریای شمالی، منگولیا، رومانیه، هنگری، چکوسلوواکیا و پولیند که یا از دوستان شوروی بودند و یا هم داخل پکت نظامی شوروی بودند، روابط کشور چین در آن زمان با شوروی خصمانه بود. ولی کشور های ایران، ترکیه و ناروی در آن زمان از متحدین عمده امریکا بوده و هر سه کشور داخل پکت های مختلف نظامی با امریکا بودند و مسلم به نظر که امریکا با استفاده از خاک سه کشور ذکر شده آخرین سیستم وسایل نظامی جاسوسی اش را در چند متری سرحدات این کشور ها با اتحاد شوروی وقت نصب و از آنها استفاده اعظمی می نمود. پس با ملاحظه چنین یک حالت موضع و موقف شوروی در مقابل افغانستان به مانند داستان گریگ

و گوسفند می ماند که گرگ از گوسفند می پرسید چرا آب را خت می کنی؟ در حالیکه خود چند متر بالاتر از گوسفند آب می نوشد و خت ساختن آب توسط گوسفند به وی هیچ ضرری نمی رسانید.

جریان سفر مرحوم محمد داوود خان شهید و ملاقات تاریخی و سرنوشت ساز وی با "لینوئید بریژنف" تا کنون از طرف دو دیپلمات افغان یعنی محترم عبدالصمد غوث و محترم عبدالجلیل جمیلی به رشته تحریر درآمده است، و مقایسه دو نوشته فوق با همدیگر در ارتباط با برخورد محمد داوود خان با خواسته "بریژنف"، نوشته محترم جمیلی منطقی تر به نظر می رسد، تا نوشته محترم غوث، زیرا اگر آنطوریکه صمد غوث جریان را تشریح داده است، واقعیت می داشت، با در نظر داشت مزاج و روحیه محمد داوود خان موصوف در برگشت به افغانستان تمام مشاورین شوروی را رخصت و موضوع را به گونه ای علنی می ساخت. در حالیکه چنین نشد و برخورد لفظی محمد داوود خان با "لینوئید بریژنف" مطابق به نوشته محترم جمیلی در سطح دیپلماتیک بوده است، ولی با آنهم محترم جمیلی خاطرات شان را از سفر متذکره بسیار دیرتر از از نشر و چاپ خاطرات محترم صمد غوث به نشر سپردند.

کتاب خاطرات صمد غوث که در دهه هشتاد میلادی زیر عنوان (سقوط افغانستان) ابتداء به زبان انگلیسی تحریر و بعد هم در دهه نود میلادی در پیشاور پاکستان توسط هموطنان ما به زبان های دری و پشتو ترجمه گردید، مأخذ برای بسیاری از تحلیلگران سیاسی و دیگر آثار مطبوع شده است که باید در تصحیح و اصلاح آن اقدام شود.

در اینجا لازم دیده می شود تا تمام ذوات و دیپلمات های محترم افغان که در سفر متذکره محمد داوود خان را همراهی می نمودند و در قید حیات هستند، بنا بر اهمیت موضوع و مسؤولیت ایمانی و وجدانی خاطرات شان را از آن سفر مهم رهبر افغانستان بنویسند تا موضوع روشن و روشن تر گردد. ولی آنچه مشهود است، این است که سفر و مذاکرات محمد داوود خان با سران کریملین در ماسکو قسماً به ناکامی منجر شده بود و گذارش سردگونه رسانه ها چندان دلچسپی به دنبال نداشته است.

پایان بخش اول  
ادامه دارد

توجه:

خوانندگان گرانقدر نوشته مشرح جناب عبدالجلیل جمیلی سفیر سابق افغانستان در کانادا را که در همین پورتال وزین نشر شده است می توانند یا مستقیماً به کمک لینک آتی و یا هم راساً در تحلیل ها و مقالات مطالعه فرمایند.

<http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha PDF/jamily j jeryan safar ۱۹۷۰ m daood rais jamh afg ba ussr.pdf>

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ